



مرگ

مرگ یعنی انتقال از دنیا به آخرت. مرگ از قوانین فراگیر جهان هستی است که همه موجودات **طعم** آن را خواهند چشید. [۱] [۲]

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی مرگ
- ۲ - مرگ در قرآن
- ۳ - خواب حالتی شبیه مرگ
- ۴ - قبض روح
- ۵ - هراس از مرگ
- ۶ - انواع مرگ
- ۷ - سكرات مرگ
- ۸ - راه‌های کاستن از سختی‌های مرگ
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

معانی مرگ

مرگ به معنای مردن است و لسان العرب آن را به "ضد حیات" معنا کرده است. [۳] برخی مرگ را به معنای "سکون" گرفته اند. [۴] التحقیق درباره معنای موت می‌گوید: مرگ نفی حیات است و حیات در هر چیز به مقتضای خصوصیات وجودیش است. [۵] راغب در مفردات مرگ را پنج نوع می‌شمارد. [۶]

مرگ در قرآن

معنای مرگ در قرآن **کریم** در قالب لفظ‌های گوناگونی آمده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ماده (م و ت) بیشترین کاربرد معنای مرگ در قرآن **کریم** را به خود اختصاص داده، ماده موت ۱۶۵ بار در قرآن به کار رفته است.
۲. ماده (ق ت ل) مانند: «قِيلَ لِلْإِنْسَانِ مَا أَكْفَرَهُ» [۷]
«مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است!»
این ماده در قرآن **کریم** به معنای مرگ حدوداً ۱۵۰ بار به کار رفته است؛ البته این ماده در قرآن **کریم** ۱۷۰ بار به کار رفته است که برخی از موارد آن به معنای **جهاد** و... می‌باشد، نه به معنای مرگ.
۳. ماده (ه ل ک) این ماده در قرآن **کریم** ۶۸ بار به کار رفته است، و در بیشتر موارد به معنای مرگ است؛ مانند: «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ يَأْقُوبَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ مَا أَكْفَرَهُ» [۸]
«پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما هم چنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید تا زمانی که از دنیا رفت.»
نکته: در چند قرن اخیر (ه ل ک) برای مرگ با حفاتر به کار می‌رفت اما در عصر نزول قرآن چنین نبوده و خود قرآن نیز "هلک" را در مطلق مرگ به کار برده است نه مرگ با حفاتر. [۹]
۴. ماده (و ف ی) این ماده در ۱۴ آیه برای مردن به کار رفته است، مانند آیه: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ» [۱۰]
«بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد.»
"وفی" در اصل به معنای گرفتن به طور کامل است و به کار رفتن آن درباره مرگ می‌تواند به این دلیل باشد که مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر است. [۱۱]
۵. ماده (ص ع ق) برخی برای "صعق" همراه با معنای دیگری که در نظر گرفته اند، معنای مرگ را نیز بیان کرده اند. راغب در مفردات از قول برخی واژه شناسان می‌نویسد: واژه (صَاعِقَةٌ) سه وجه دارد: (مرگ، عذاب، آتش) اما خود راغب در پاسخ آن می‌نویسد: آنچه که ذکر شد در واقع نتایجی است که از صاعقه حاصل می‌شود؛ زیرا صاعقه صدای سهمگین و شدید از آسمان است و نتیجه آن آتش، عذاب یا مرگ است پس در واقع صعق یک معنا دارد و این‌ها نتایج آن است. [۱۲]

خواب حالتی شبیه مرگ

آدمی در خواب نیز حالتی شبیه مرگ پیدا می‌کند و گویی روح او از بدن جدا می‌شود؛ اما وقتی روح از گذر مرگ بدن را ترک می‌کند، دیگر بازگشت ندارد. [۱۳]

قبض روح

خداوند متعال یکی از فرشتگان مقرب خویش را برای قبض روح آدمیان برگزیده است که قرآن با عنوان «ملک الموت» از او یاد می‌کند. این فرشته مقرب با یاری فرشتگانی دیگر، روح آدمیان را قبض می‌کند. از این رو، قرآن کریم، گاه قبض روح را به خدای متعال نسبت می‌دهد و گاه به ملک‌الموت

هراس از مرگ

بیشتر مردم از مرگ می‌هراسند. این ترس ریشه در اموری بسیار دارد؛ از جمله نابودی پنداشتن مرگ، دوستی دنیا، گناهکاری و بی‌خبری از سرنوشت و پیشامدهای پس از مرگ و طولانی بودن راه آخرت. [۱۸] [۱۹] [۲۰] [۲۱] [۲۲]

انواع مرگ

مرگ گونه‌های متعددی دارد: مرگ طبیعی، مرگ ناگهانی یا **مفاجات** و **مرگ انتحاری** و **شهادت** که مرگ در **جهاد** با **دشمنان** خدا و برترین گونه مرگ است. [۲۳]

سکرات مرگ

این کلمه از ریشه «سُکِر» است به معنای از کار افتادن **عقل** انسان. [۲۴]
سکرات مرگ همان سختی‌هایی است که هنگام مرگ پیش می‌آیند و آدمی را سرگردان و **حیران** می‌کنند. [۲۵] [۲۶]
هر چند **مؤمنین نیکوکار**، پس از مرگ به جهانی پر نعمت و خوش می‌روند، اما جدایی روح از بدن به گونه طبیعی سختی‌هایی می‌آورد. [۲۷] از این رو، در **روایات** آمده است که انسان را سه روز بسیار سخت است: یکی آن گاه که به **دنیا** می‌آید و این جهان را می‌بیند و دیگر آن روز که می‌میرد و مرگ را می‌بیند و سوم، آن روز که پا به میدان **محشر** می‌نهد. [۲۸]

راه‌های کاستن از سختی‌های مرگ

بنابر روایات دوری از **گناه** و وابسته نبودن به دنیا و **شبهوت‌ها** و **انفاق مال** و **نیکی به والدین** از سختی‌های مرگ می‌کاهند. [۲۹]

پانویس

- ↑ الرحمن/سوره ۵۵، آیه ۲۶.
- ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸۵.
- ↑ ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب، دار صادر، بیروت، سال: ۱۴۱۴ ق، چاپ: سوم، ج ۲، ص ۹۱.
- ↑ طریحی، فخر الدین؛ مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش، چاپ: سوم، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ↑ مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، سال: ۱۳۶۰ ش، ج ۱۱، ص: ۱۹۶.
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق، چاپ: اول، ص: ۷۸۲.
- ↑ عبس/سوره ۸۰، آیه ۱۷.
- ↑ غافر/سوره ۴۰، آیه ۳۴.
- ↑ قرشی، سید علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش، چاپ: سوم، ج ۵، ص: ۱۶۹.
- ↑ السجده/سوره ۳۲، آیه ۱۱.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، چاپ: اول، ج ۲۰، ص: ۱۶۷.
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق، چاپ: اول، ص: ۴۵۸.
- ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۴۲.
- ↑ سجده/سوره ۳۲، آیه ۱۱.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۶۱.
- ↑ المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۹.
- ↑ میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۶۷۸.
- ↑ میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۶۷۲.
- ↑ میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۶۹۸.
- ↑ میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۶۹۰.
- ↑ معاد، ص ۷۵-۷۶.
- ↑ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶.
- ↑ بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸.
- ↑ مفردات راغب، ص ۲۳۶.
- ↑ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۴۰.
- ↑ المیزان، ج ۱۸، ص ۳۴۸.
- ↑ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۸.
- ↑ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۸.
- ↑ میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۶۹۸.

منبع

- پژوهه
فرهنگ شیعه، ص ۴۰۸-۴۱۰.

